ره آورد انسـان شـرقی از نـور؛ جایـگاه نـور در حکمـت و هنـر شـرق بـا تمرکـز بـر هنرهـای نما یشی

مجید سرسنگی

دانشگاه تهران

msarsangi@ut.ac.ir

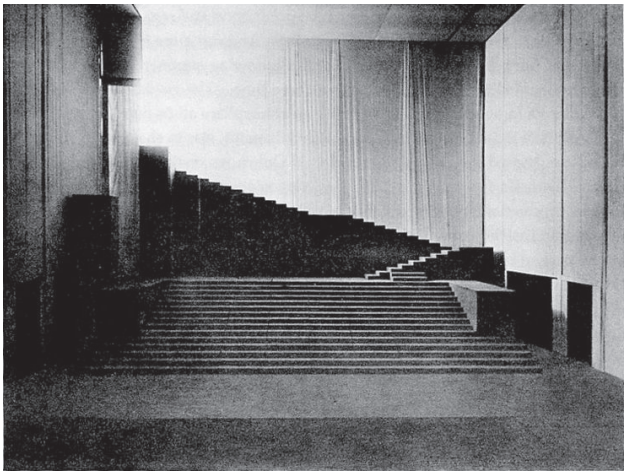

چکیده
نـور همـواره در اندیشـهٔ بشـری به‌عنـوان عاملـی اساسـی در زندگـی مـادی و روحانـی انسـان مـورد توجـه و تأکیـد بـوده اسـت. نـور از منظـر مـادی روشـن‌کنندهٔ جهـان، عاملـی بـرای بقـاء و ابـزاری بـرای چیرگـی بـر تـرس و تاریکـی اسـت. از سـوی دیگـر، در سـاحت معنـوی، نـور همـواره در برابـر ظلمـت و تاریکـی معنـا شـده اسـت. نـور در ایـن سـاحت معـادل همـهٔ خوبی‌هـا و پاکی‌هسـت و در ادیـان مختلـف انسـان بـه سـوی آن خوانـده شـده اسـت. نـور، علاوه‌بـر حضـور مؤثـر در زندگـی انسـان، عاملـی مهـم در خلـق آثـار هنـری بـه شـمار مـی‌رود. امـروزه نـور و نورپـردازی در هنرهـای نمایشـی از اهمیتـی بسـیار برخـوردار اسـت. در دوران کهـن تنهـا منبـع نـوری صحنـهٔ تئاتـر، نـور طبیعـی خورشـید بـود. امـا، بـا پیشـرفت انسـان در اسـتفاده از ابـزار مختلـف بـرای غنـی کـردن زندگـی خـود، منابـع مصنوعـی نـور نیـز جـای خـود را در صحنـهٔ نمایش بـاز کردنـد. در ابتـدا بـه کمـک شـمع‌ها و مشـعل‌ها اجـرای نمایش‌هـا در شـب نیـز امکان‌پذیـر شـد؛ امـری کـه مـورد درخواسـت بسـیاری از نمایش‌هـای آیینـی بـود. هنگامـی کـه الکتریسـیته بـه زندگـی بشـر راه یافـت، نورپـردازی صحنه‌هـای تئاتـر هـم رونـق گرفـت؛ هرچنـد در آغـاز از ایـن نـور تنهـا بـرای روشـن کـردن کلـی صحنـه و دیـده شـدن همزمـان همـهٔ اجـزای صحنـه اسـتفاده می‌شـد. دیدگاه‌هـا آپیـا، نورپـردازی در تئاتـر را متحـول کـرد. دیگـر نـور صرفـاً عنصـری بـرای روشـن کـردن همـهٔ صحنـه و در معـرض دیـد قـرار دادن همـهٔ آنچـه بـر صحنـه می‌گذشـت نبـود، بلکـه نـور اینـک عاملـی مهـم و اساسـی در تئاتـر محسـوب می‌شـد کـه می‌توانسـت مفهـوم یـک اثـر نمایشـی را بهتـر بـه تماشـاگر القـاء کنـد. در کنـار تفهیـم بهتـر و بیشـتر معنـای نمایـش، برجسـته کـردن عناصـر مختلـف صحنـه، ایجـاد فضـای خـاص، کمـک بـه فهـم تغییـر زمـان و مـکان و شناسـاندن سـبک و شـیوهٔ اجرایـی، از دیگـر کارکردهـای نـور و نورپـردازی در تئاتـر شـدند. در زمـان حاضـر، نـور در تئاتـر عنصـری بسـیار مهـم اسـت کـه می‌توانـد در موفقیـت یـا شکسـت اجـرا، تأثیـری مسـتقیم داشـته باشـد.

کلیدواژه‌ها: اجرا، تئاتر، صحنه، نور، نورپردازی.

«نور» و «حکمت» در ساخت‌های شرق و غرب

«نورپـردازی» ترکیبـی از علـم و هنـر اسـت. نورپـردازی موضوعـی اسـت دربـارۀ اینکـه مـردم چگونـه محیـط اطرافشـان را روشـن می‌کننـد، چگونـه آن را احسـاس می‌کننـد و چـه واکنشـی بـه آن نشـان می‌دهنـد؟ نورپـردازی موضوعـی مربـوط بـه علـوم زیسـتی و فیزیولـوژی اسـت؛ همـان گونـه کـه موضوعـی مربـوط بـه علـم روانشناسـی نیـز اسـت. نورپـردازی موفـق در هـر زمینـه‌ای، خـواه شـهری و خـواه هنـری و... بـه فهـم دقیـق ویژگی‌هـای موضـوع نورپـردازی متکـی اسـت. ایـن شـاید مهم‌تریـن مرحلـه از مجموعـه مراحـل فراینـد نورپـردازی باشـد. پاسـخ بـه سـؤال‌هایی از قبیـل اینکـه مـردم بـرای اجـرای درسـت کارهایشـان بـه چـه نـوع نورپـردازی نیـاز دارنـد یـا اینکـه کـدام شـیوۀ نورپـردازی، بیشـتر آرامـش آنهـا را فراهـم می‌کنـد، از جملـه موضوع‌هـای مهمـی اسـت کـه طـراح نورپـرداز بایـد بـه آنهـا توجـه کامـل داشـته باشـد.

فهـم درسـت از مـردم و نیازهـای آنهـا، شـرایط لازم هـر نـوع نورپـردازی موفـق اسـت. آنچـه چشـم، از محیـط اطـراف می‌بینـد و مغـز مـا ادراک می‌کنـد، متأثـر از میـزان نـور منعکس‌شـده از سـطوح مختلـف اسـت، از ایـن‌رو دانسـتن خصوصیـات مـواد و مصالـح و سـطوح آنهـا و توجـه بـه مقـدار نـور منعکس‌شـده از آنهـا، یکـی دیگـر از اصـول نورپـردازی موفـق اسـت.

نورپـردازی می‌توانـد گاهـی وسـعت دیـد انسـان را محـدود کنـد؛ همچنانکـه می‌توانـد آن را گسـترش نیـز بدهـد. نورپـردازی علاوه‌بـر وظایـف کاربـردی، می‌توانـد وظایـف دیگـری را نیـز انجـام دهـد؛ وظایفـی کـه بنجامیـن اوانـز در کتـاب خـود بـه نـام نـور روز در معمـاری[1] آن را چنیـن توصیـف می‌کنـد: «اسـتفادۀ بیانـی از نـور به‌شـکلی نمادیـن، فراگیـر، خشـنودکننده، سـاده و غریـزی و در عیـن حـال ابهام‌آمیـز بـرای گشـودن پنجـرۀ خیال‌هـای بشـری، بزرگ‌تریـن وظیفـه نورپـردازی در عصـر ماسـت».

بـر مبنـای روش‌هـای مطالعـات شناخته‌شـده بـر چهـار سـیاق بنیـادی می‌تـوان در پـی پاسـخ بـه سـؤال‌ها برآمـد. اول، از طریـق علمـی و بـا سـلاح تجربـه. دوم، از طریـق اسـطوره و بـا سـلاح تخیـل. سـوم، از دیـدگاه دینـی و از مسـیر وحـی، چهـارم، از طریـق فلسـفه و از طریـق عقـل کـه بـه نـور ختـم می‌شـود. مـا هرچنـد نظـرگاه علمـی را تـرک نمی‌گوییـم، از دیـدگاه اخیـر فلسـفی بـه بحـث وارد خواهیـم شـد.

پژوهش حاضر بر چند فرضیۀ بنیادی استوار است:

۱. ارتقـای دانـش عمومـی بـه فناوری‌هـای مبتنـی بـر نـور خلاصـه نمی‌شـود. دانـش عمومـی دربـارۀ نـور، علاوه‌بـر شـناخت صنعـت و فنـاوری نـور، مسـتلزم دسـتیابی بـه فحـوای معنـای معنـوی نـور و زایـش و پیدایـش آن در فرهنـگ، حکمـت

1.Day Light in Architecture

و هنـر شـرق اسـت.
۲. بخشـی از چالش‌هـای انـرژی و محیـط زیسـت، کـه در پرتـو نـور و عوالـم مرتبطـه حـل و فصـل می‌شـود نیـز تنهـا بـا بیـان رویکـرد بومـی برآمـده از معرفت‌شناسـی نـور مرتفـع می‌شـود.
۳. راهکارهـای عملیاتـی، قابلیـت اسـتخراج از فرهنـگ و حکمـت شـرقی بـرای تدویـن نظامنامـۀ نورپـردازی در محیط‌هـای زندگـی انسـانی را داراسـت.
هویت‌یابـی مکان‌هـا به‌واسـطۀ نـور، به‌خصـوص در شـهرهای امـروزی، نشـان‌دهندۀ ایـن اصـل اسـت کـه مکان‌هـای بـدون نـور وجـه تمایـزی ندارنـد و در تاریکـی مطلـق گرفتارنـد. در فرهنـگ ایرانـی- اسـلامی انسـان‌هایی کـه در ایـن مکان‌هـا گرفتـار آمده‌انـد، بـه «ضالیـن» تعبیـر شـده‌اند. انسـان‌های گمشـده در تاریکـی وجـود و گرفتـار در ظلمـات بـه عقوبـت نامیمـون گرفتـار می‌شـوند. در واقـع همیـن گمشـدگان در ظلمت‌انـد کـه در جامعـۀ مـدرن شـهری امـروز، بـا اصطلاحاتی از جملـه «برهم‌زننـدگان امنیـت اجتماعـی» از آنهـا یـاد می‌شـود. عکـس ایـن موضـوع، فـارغ از اینکـه فنـاوری نـور تـا چـه حد در رفـع و کاهـش جـرم و جنایـت مؤثـر اسـت، بـا نمـود روشـنی در دل انسـان باورمنـد بـه ذات اقـدس الهـی تفسـیرپذیر اسـت. ایـن همـان چیـزی اسـت کـه در قالـب عبـارت «ان الحسـین مصبـاح الهـدی و سـفینه النجـاه» بیـان می‌شـود. اینجـا حسـین (ع) تنهـا به‌مثابـۀ فرزنـد علـی (ع) و فاطمـه (س) درک نمی‌شـود. حسـین (ع) به‌مثابـۀ مصبـاح هدایـت، الگـوی انسـانی در جوامـع گذشـته تـا امـروز اسـت، کـه فقـط و فقـط به‌واسـطۀ نـور درونـی خـود، محیـط انسـانی پیرامـون را روشـن می‌کنـد و از ظلمـات متمایـز می‌سـازد.
پـس نـور، دیگـر نـه به‌عنـوان یـک عنصـر تزیینـی صـرف، کـه به‌واسـطۀ تغییـر رنگ‌هـا، تنـوع در سـطوح و توهـم ارتفـاع بـه عنصـری پایـدار در معمـاری و شهرسـازی و دیگـر صنایـع و هنرهـا بـدل شـده، بلکـه به‌عنـوان عنصـری متمایزکننـده و معنـا بخـش درک می‌شـود. تـرس کـودکان از تاریکـی درسـت مسـاوی و مـوازی بـا تـرس آنـان از تنهایـی اسـت. گـو اینکـه آنهـا پـدر و مـادر را چـراغ هدایتـی می‌بیننـد کـه در تاریکـی ایشـان را گـم می‌کننـد. انسـان گمـراه هـم به‌واسـطۀ جدایـی از خداسـت کـه بینایـیش در انتخـاب مسـیر دچـار اختـلال می‌شـود. به‌نسـبت فاصلـۀ بسـیار زیـادی کـه انسـان از اشـیا و انسـان‌های دیگـر می‌گیـرد؛ آئتئـوس[۲] بینایـیش در مصـاف مقاومـت هـوا ضعیـف می‌شـود. ایـن دیگـر صرفـاً زیبایی‌شناسـی تصویـر و نـور نیسـت و بـه همیـن دلیـل اسـت کـه دوبـاره نشـانگان رجعـت هنـر و نظریه‌پـردازان غربـی به‌سـمت هنـر شـرقی، کـه آن را بـه درسـتی «هنـر نـاب» نـام داده‌انـد، امـروزه بیـش از هـر زمـان دیگـر در تاریـخ، به‌عنـوان امـری انکارناپذیـر در گوشه‌گوشـۀ سـبک‌های زندگـی، طراحـی سـایت‌ها و طـرح مجـلات و تابلوهـای تبلیغاتـی آنـان خودنمایـی می‌کنـد.
نـور در فرهنـگ شـرقی، البتـه کیفیـات دیگـری غیـر از وسـیله و ابـزار اطلاع‌رسـانی، شناسـاندن مناطـق و محـلات و افزایـش بـار هویتـی و امنیتـی مراکـز، کـه در محیـط صنعتـی و البتـه

2.Aetius

دموکراتیـک عصـر صنعـت بـروز یافتـه اسـت، پیـدا می‌کنـد. پرداختـن بـه ایـن کیفیت‌هـای ناشـناخته، امـا دسـت‌یافتنی، اسـت کـه می‌توانـد بـرای عرضـهٔ الگـوی دسـتاورد انسـان شـرقی از نـور، بـه‌کار گرفتـه شـود.

نکتـهٔ اول تمایـز در نـگاه شـرقی و غربـی بـه نـور در آغـازگاه طراحـی اسـت. انسـان غربـی در طـرح خـود از نـور، ابتـدا بـه سـراغ کیفیـات سـوژه و البتـه امکانـات مـی‌رود. بـرای او طراحـی نـور یعنـی یافتـن ارتبـاط مسـتقیم بیـن کیفیـات و مکان‌هـای قابـل طراحـی بـا امکانـات در دسـترس و مـورد نیـاز بـرای اجـرای نورپـردازی. امـا در نـگاه شـرقی، اهمیتـی کـه بـه انسـان، درون او و عوالـم معنـوی محاط‌کننـدهٔ انسـان، داده می‌شـود، بـه هیـچ رو برابـر بـا اهمیـت مـکان صـرف نیسـت. بنابرایـن بـرای نورپـردازی مکان‌هـا به‌جـای آنکـه بـه سـراغ پیرامـون رود بـه درون خـود توجـه می‌کنـد. در ایـن هنـر، انسـان منبـع نـور را کـه در درون آدمـی اسـت می‌یابـد و متناسـب بـا آن بـه روشنایی‌بخشـی بـه پیرامـون دسـت می‌زنـد.

اشـاره بـه ایـن نکتـه لازم اسـت کـه لفـظ شـرقی و غربـی را مـا بـرای تفکیـک حکمـی مسـائل و از جملـه «نـور» بـه‌کار می‌بریـم، وگرنـه ایـن الـزام بـرای نـور وجـود نـدارد کـه شـرقی یـا غربـی باشـد. ایـن فقـط تفـاوت دیـدگاه و رویکـرد بـه نـور در غـرب و شـرق اسـت کـه درک از نـور را متفـاوت کـرده اسـت، امـا ذات آن چـه در شـرق و چـه در غـرب، دارای تفـاوت نیسـت؛ ایـن مصداقـی از وجـوب کثـرت و وحـدت در فلسـفهٔ اسـلامی اسـت کـه بـرای قـرون متمـادی حتـی سـاحت غـرب را نیـز بـا خـود همـراه سـاخته بـود.

بـرای آنکـه فهـم دقیق‌تـری از «نـور» و «ظلمـت» از دیـدگاه دینـی داشـته باشـیم، در ایـن بخـش بـه آیـهٔ ۳۵ سـورهٔ «نـور» در قـرآن کریـم رجـوع می‌کنیـم. در ایـن آیـه موضـوع و کیفیـت نـور مـورد بحـث قـرار می‌گیـرد و ذات نـور، به‌عنـوان رویکـردی در هدایـت انسـان‌ها ابـراز می‌شـود:

خـدا، نـور آسـمان‌ها و زمیـن اسـت؛ مثـل نـور او چـون چراغدانی اسـت کـه در آن چراغـی، و آن چـراغ در شیشـه‌ای اسـت؛ آن شیشـه گویـی اختـری درخشـان اسـت کـه از درخـت خجسـتهٔ زیتونـی، کـه نـه شـرقی اسـت و نـه غربـی، افروختـه می‌شـود؛ نزدیـک اسـت کـه روغنـش هـر چنـد بـدان آتشـی نرسـیده باشـد، روشـنی بخشـد؛ روشـنی بـر روی روشـنی اسـت؛ خـدا هـر کـه را بخواهـد بـا نـور خویـش هدایـت می‌کنـد و ایـن مثل‌هـا را خـدا بـرای مـردم می‌زنـد و خـدا بـه هـر چیـزی داناسـت.

انسـان بـا هویـت چندپـارهٔ امروزینـش، حـالا دیگـر بـه واسـطهٔ مکان‌هایـی کـه در آنهـا سـیلان دارد؛ هویـت می‌یابـد. آن هـم در محیطـی کـه فراوانـی ماشـین‌ها به‌تدریـج کنتـرل را از دسـت انسـان‌ها خـارج می‌کنـد. گویـی دیگـر ایـن ماشـین‌ها هسـتند کـه بـه انسـان فرمـان می‌دهنـد. در ایـن کشـمکش، تنهـا نـور اسـت کـه هدایتگـر اصلـی و دلیـل عـدم احسـاس نگرانـی انسـان‌ها در ازدیـاد سرسـام‌آور ماشـین‌ها و فنـاوری اسـت. بـه مـدد نـور اسـت کـه از همزیسـتی و هم‌خانگـی بـا ماشـین‌های غـول پیکـر متعـدد نمی‌ترسـیم؛ ترسـی کـه بـا زحمـت علمـای فیزیـک گام‌هـای اساسـی را به‌سـمت مرتفـع شـدن برداشـت.

تـا اواخـر قـرن شـانزدهم علمـای فیزیـک اطلاعاتـی دربـارۀ انعـکاس و انکسـار نـور گـرد آورده بودنـد، ولـی آنهـا دربـارۀ ماهیـت نـور اطلاعـات کافـی نداشـتند تـا بتواننـد فرضیه‌هایـی معقول‌تـر از حدس‌هـای گذشـته ارائـه دهنـد.

«نور» و «تئاتر»

در گذشـتۀ دور، تئاترهـا به‌جـز روشـنایی خورشـید بـه نـور دیگـری احتیـاج نداشـتند و نخسـتین منابـع نـور در تئاتـر همـان نـور خورشـید بـود. در سـال‌هایی کـه ادیسـون سـرگرم سـاختن لامـپ بـرق بـود، یـک طـراح، شـالودۀ نظـری نورپـردازی تئاتـر مـدرن را پی‌ریـزی کـرد. تـا پیـش از نوآوری‌هـای هنرمنـد برجستۀ سوئیسـی، یعنـی آدولـف آپیـا تنهـا کارکـردی کـه اهالی تئاتـر بـرای نـور قائـل بودنـد، دیـده شـدن عناصـر مختلـف بـر صحنـه بـود. امـا بـا حضـور آپیـا در تئاتـر، سـایه و تاریکـی به‌همـراه نـور، سـه عنصـر تشـکیل‌دهندۀ هنـر نمایـش شـدند هرکـدام از ایـن عناصـر جایـگاه و کارکـرد متفـاوت خـود را پیـدا کـرد. می‌تـوان دوران روشن‌سـازی سـالن‌ها و صحنه‌هـای تئاتـر را به‌ترتیـب بـه پنـج بخـش تقسـیم کـرد کـه عبارتنـد از:

– دورۀ مشعل و فانوس؛

– دورۀ شمع؛

– دورۀ چراغ‌های نفتی؛

– دورۀ گاز و چراغ‌های گازی؛

– دورۀ الکتریسیته و چراغ‌های الکتریکی.

آپیـا نـور را همتـا و همسـنگ موسـیقی به‌شـمار مـی‌آورد، کـه لحظـه بـه لحظـه بـا تغییـر حالت‌هـا و عواطـف و حرکـت نمایشـی تغییـر می‌کنـد. از ایـن رو، معتقـد بـود کـه نـور را نیـز بایـد بـه همـان دقـت موسـیقی تنظیـم کـرد، تـا همـواره هماهنـگ و مـوزون باشـد. البتـه ایـن شـیوه، نظـارت دقیقـی را بـر پخـش، شـدت و رنـگ نـور می‌طلبـد. (براکـت، ۱۳۸۳: ۳۷۵) آپیـا معتقـد بـود فقـط نـور و موسـیقی می‌تواننـد ماهیـت درونـی ظواهـر را بیـان کننـد. بـه عقیـدۀ او، هرچنـد اهمیـت نسـبی نـور و موسـیقی در نمایش‌هـای موزیـکال همـواره یکسـان نیسـت، تأثیرشـان بسـیار بـه هـم شـبیه اسـت. از این‌رو هـر دو بـه عنوان ابـزاری هنـری می‌تواننـد بـه قواعـد کامـلاً تصنعـی تئاتـر، شـکل خـلاق ببخشـند. براسـاس آنچـه در بـاب آرا و دیدگاه‌هـای آپیـا در زمینـۀ نـور گفتـه شـد، می‌تـوان بـرای نـور در تئاتـر چنـد کارکـرد مهـم برشـمرد، کـه برخـی از آنهـا عبارتنـد از:

۱. تأمین و ایجاد حالت و فضا؛

۲. پر رنگ کردن کار پرداخت در نمایش؛

۳. القای نوعی احساس و عاطفه به تماشاگر؛

۴. نمایـان کـردن احسـاس بعـد زمـان و مـکان و تغییـر آن دو بـرای تماشـاگر؛

۵. ایجـاد وحـدت و انسـجام بصـری عناصـر متفـاوت و پراکنـده در صحنـه.

نبـود نـور، سـایه و تاریکـی تلقـی می‌شـود، کـه بـرای آپیـا دسـتمایه و ابـزاری بـرای صحنه‌آرایـی به‌حسـاب می‌آمـد. بنابرایـن، آپیـا نـه فقـط از نـور بـا درجـات مختلـف و نحـوۀ متفـاوت تابانـدن آن بـر صحنـه سـود می‌بـرد، بلکـه از نبـود آن، یعنـی سـایه و تاریکـی نیـز کامـلاً اسـتفاده می‌کـرد.

پـس از ایـن رویکردهـای خلاقانـهٔ آپیا، دیگـر هـدف از نورپردازی در تئاتـر، تنهـا روشـن کـردن صحنـه به‌گونـه‌ای کـه تمـام اشـیا و افـراد بـر روی صحنـه به‌وضـوح دیـده شـوند نبـود. نورپـردازی پـس از ایـن یکـی از هنرهـای بـا ارزشـی شـد کـه در تکمیـل هنـر تئاتـر، درک و فهـم منطقی‌تـر نمایـش و ارائـه ارزش‌هـای ایـن هنـر بسـیار مؤثـر بـود.

به‌طـور کلـی نورپـردازی بسـته بـه آنکـه نـور بـرای تئاتـر بـزرگ در مکانـی بـزرگ طراحـی می‌شـود، یـا بـرای سـالنی کوچـک در حجمـی کمتـر، متفـاوت اسـت. نکتـه‌ای کـه در صحنـهٔ تئاتـر از اهمیـت بسـیار برخـوردار اسـت، مسـئلهٔ تنظیـم نـور و تطبیـق آن بـا خصوصیـات صحنـه و توجـه بـه اوضـاع و احـوال و کیفیـت محـل اسـت.

در کنـار نوآوری‌هـای آپیـا در زمینـهٔ اسـتفادهٔ هنـری و دراماتیـک از نـور در تئاتـر، بایـد بـه وجـه دیگـری از رویکردهـای ایـن هنرمنـد بـزرگ اشـاره کـرد. ایـن وجـه جدیـد، نظریه‌پـردازی و کار پژوهشـی دربـارهٔ نـور اسـت. طـراح نـور، قبـل از پرداختـن بـه نیازهـا و الزامـات نـوری، بایـد نمایشـنامه را به‌عنـوان یـک «کلیـت همگـون» شناسـایی کـرده و کار خـود را بـا تحلیـل عمـل، شـخصیت‌ها، افـکار و منظـره شـروع کنـد، تـا سـرانجام بـه دیدگاه‌هـای اساسـی متـن، معنـای نمایشـنامه و سـبک آن دسـت یابـد و پـس از اطمینـان از درک کامـل ایـن مفاهیـم، بایـد در ایـن زمینـه بیندیشـد کـه چگونـه می‌توانـد ایـن کلیـت را بـا اسـتفاده از نـور بـر روی صحنـه معنـا بخشـد.

ریتـم عاملـی اسـت کـه سـبب می‌شـود نظـر به‌راحتـی از مرکـز اصلـی توجـه بـه قسـمت‌های غیـر اصلـی یعنـی بـه حاشـیه معطـوف شـود و دوبـاره بـه مرکـز تأکیـد بـاز گـردد. ریتـم نتیجـهٔ تغییـر تدریجـی شـدت نـور و اسـتفادهٔ مناسـب از رنـگ و توزیـع آن اسـت. ریتـم عاملـی اسـت کـه می‌توانـد قسـمت‌های مختلـف را در صحنـه، در یـک ترکیـب واحـد پیونـد دهـد و درهـم بیامیـزد. گاهـی بایـد نورپـرداز بـه مطالعـه و تحقیـق دربـارهٔ وسـایل و امکانـات نـوری دوران مختلـف بپـردازد و کیفیـات خاصـی از آنهـا را بـه‌کار گیـرد. بـه هـر حـال، اگـر قـرار اسـت شـیوه‌ها و قراردادهـای صحنـه‌ای دوران خاصـی در اجـرا بـه‌کار گرفتـه شـود، نورپـرداز حتمـاً بایـد شـیوه‌های نورپـردازی دوران مزبـور را مطالعـه کنـد و بشناسـد. در عیـن حـال، به‌عنـوان یـک قاعـده، بایـد گفـت کار نورپـرداز، کمتـر از صحنه‌پـرداز و طـراح لبـاس متأثـر از ملاحظـات تاریخـی اسـت. حـال بـه چنـد مـورد از مـوارد اسـتفاده از نـور در صحنـهٔ نمایـش اشـاره می‌کنیـم:

الف) معرفی زمان، وضع هوا و فصل

نـور می‌توانـد اشـیا را در سـاعتی از روز، شـرایط آب‌وهوایـی و همچنیـن فصـول مختلـف سـال نشـان دهـد. همچنـان کـه زمـان می‌گـذرد و غـروب می‌شـود، اتـاق تاریـک و شـدت نـور کـم می‌شـود و بـا کـم شـدن نـور، رنـگ قرمـز خورشـید سـردتر و آبی‌تـر می‌شـود و خـود اشـعه از حالـت مشـخص عمـودی به‌صـورت محـور افقـی تغییـر می‌کنـد. در تئاتـر از تعبیـر شـدت نـور به‌عنـوان گذشـت زمـان، شـب و روز و ایجـاد سـاعات مختلـف روز اسـتفاده می‌شـود.

ب) تأکید بر اشیا

حذف قسمت‌های کم‌اهمیت‌تر صحنه و واضح‌تر کردن قسمت‌های مهم‌تر و تأکید بر آنها، تمرکز نور در قسمتی که کنش و واکنش اصلی صحنه در حال رخ دادن است، جلوه دادن نمایش از منظر بازیگران و... از کارکردهای اساسی نور در صحنه است. نور می‌تواند تنها عنصری را نشان دهد که لازم است به چشم آید؛ یعنی قرار است تأکید بر آن باشد. با استفاده از نور می‌توان قسمت معینی از صحنه را انتخاب کرد و روح یا رنگ تأکید را بر آن تاباند.

ج) کمک برای کنترل فضا و حالت صحنه

نور اثر سازنده‌ای در حالت‌های مختلف صحنهٔ نمایش دارد. اغلب با زیاد کردن نور (یا با کم‌رنگ و پررنگ کردن نور) برای تبدیل و تعویض حالتی، مثلاً حالت شادی به حالت افسردگی، از آن استفاده می‌شود. در صحنهٔ تئاتر با نور رنگی می‌توان حالت‌های مختلف را به تماشاگر القا کرد. رنگ‌های سرد و ملایم به خلق فضاهای افسرده کمک می‌کند. از سوی دیگر، با ترکیب و گسترش رنگ و جهت نور به شیوه‌های مختلف می‌توان به ایجاد حالت‌های بسیار متنوع نمایشی دست یافت.

د) کمک در ترتیب دادن شکل صحنه‌های گوناگون

نورپردازی صحنهٔ تئاتر هنگام بازسازی طبیعت به‌ندرت موفقیت‌آمیز می‌شود. تفاوت بین روشنایی برای واقع‌گرایی یا واقع‌گرایی تئاتری این است که در اولی مسئول نور نیاز به پنجره یا تثبیت‌کننده‌های نور دارد، که به‌طور معمول به‌وسیلهٔ ابزارهای نوری تولید می‌شود، درحالی که برای واقع‌گرایی تئاتری مسئلهٔ منابع نوری، اهمیت ندارد و گاهی برای ایجاد فضایی به‌خصوص، رنگ‌هایی به‌کار برده می‌شود که در زندگی حقیقی دیده نمی‌شوند.

هـ) کمک به درک و تفهیم متن نمایشنامه

نور می‌تواند از عوامل مؤثر در درک و تفهیم متن نمایشنامه و بیان ارزش‌های آن باشد. کار نور آن است که به تماشاگران کمک کند مفهوم مناسب نمایشنامه را دریابند. یکی از مهم‌ترین عواملی که کارگردان را در القای مفهوم نمایش یاری می‌دهد، آشنایی و استفادهٔ درست از خواص نور و نورپردازی صحنهٔ تئاتر است.

و) ضعف و تقویت عناصر بصری اجرا

طراح نور می‌تواند عناصر بصری اجرا، یعنی حرکات بازیگران، دکور، گریم، لباس، و... را تقویت کند یا به گونه‌ای دیگر تغییر دهد. با تشدید نور، می‌توان گریم بازیگر را بیشتر جلوه‌گر کرد و بر آن تأکید ورزید یا با کم کردن نور بر بازیگر، بر دکور، لباس و دیگر عناصر بصری صحنه تأکید کرد.

ز) بیان شیوهٔ اجرا

نور از طریق تأثیر بر شکل اجرا، می‌تواند بیان‌کنندهٔ سبک و موضوع نمایشنامه باشد. برای مثال، در نمایشنامه‌هایی که به شیوهٔ اکسپرسیونیستی اجرا می‌شوند، طراحی چهره، لباس، نورپردازی، صحنه‌آرایی، بازیگری و... همه به‌گونه‌ای شگفت‌آور، تلخ و ترسناک، رمزآمیز و بزرگ‌مقیاس‌اند و از منظر

نورپـردازی از تمهیـدات خـاص، از جملـه اسـتفادۀ فـراوان از سایه‌روشـن بهـره می‌برنـد. در ایـن شـیوه، اسـتفاده از سایه‌روشـن‌ها می‌توانـد نوعـی توهـم، تـرس و خیـال را در ذهـن تماشـاگر ایجاد کنـد. در نمایش‌هـای واقع‌گرایانـه، نـور اصراری بـرای ایجاد توهم نـدارد و اجـازه می‌دهـد که ذهـن تماشـاگر مانند آن چیـزی که در واقعیـت بـرای او رخ می‌دهـد، عمـل کنـد.

ح) ایجاد عمق

یکـی از هدف‌هـای نورپـردازی در تئاتـر، عمـق دادن بـه صحنـه و جداکـردن بازیگـر از فضـای پشـت سـر او و ایجـاد توهـم بُعـد اسـت. نـور بـه ایجـاد سایه‌روشـن و پدیـد آوردن ابعـاد مختلـف کمـک شـایان توجهـی می‌کنـد.

ط) تأثیر نور در متغیر کردن فضای صحنۀ نمایش

نـور تأثیـر زیـادی در متغیـر کـردن شـکل صحنـۀ نمایـش دارد، به‌طـوری کـه می‌توان به سـادگی با تعویـض نورها، یـا به‌کاربردن روش‌هـا و شـیوه‌های مخصـوص نـوری، صحنۀ نمایـش را به‌طور کامـل تغییـر داد؛ تغییـری که می‌توانـد زاویۀ دیـد فیزیکی و روحی تماشـاگر را نسـبت بـه صحنه دگرگـون کند.

نتیجه‌گیری

نـور در زندگـی انسـان عاملـی مهـم و نیـز چندوجهـی اسـت. از یـک طـرف، نـور عنصـری مـادی در زندگـی فیزیکـی بشـر تلقـی می‌شـود و از سـوی دیگـر، مفهومـی اسـت کـه می‌توانـد در سـاحت معنـوی و قدسـی انسـان مؤثـر باشـد.

اهمیـت نـور در خلـق آثـار هنـری، امری ثابـت و پذیرفته شـده اسـت. هیـچ هنـری را نمی‌تـوان یافـت کـه به‌گونـه‌ای بـرای متجلـی کـردن خـود نیازمنـد اسـتفاده از نـور نباشـد. از معمـاری گرفتـه تا هنرهـای تجسـمی و هنرهـای اجرایـی، همـه برای ارائۀ درسـت و قابـل قبـول خـود، بـه نـور حالـت مختلـف آن نیـاز دارند.

هنـر نمایـش ابتـدا اسـتفاده از نور را با یـاری گرفتن از نـور طبیعی خورشـید آغـاز کـرد. نمایش‌ها به سـبب این امر، از طلوع خورشـید آغـاز می‌شـد و بـا غـروب خورشـید خاتمـه می‌یافـت. اما اسـتفاده از نـور آتـش، مشـعل‌های فـروزان و... سـبب شـد که تماشـاگران بتواننـد نمایش‌هـای آیینـی را در دل شـب نیـز نظاره‌گر باشـند.

بـا کشـف الکتریسـیته و اختـراع بـرق، تئاتـر هـم از ایـن پدیـدۀ نوظهـور بی‌بهـره نمانـد. در آغـاز اسـتفاده از نـور در تئاتـر صرفـاً در حـد روشـن سـاختن کل صحنـه و نشـان دادن همـۀ اجـزای صحنـه به‌صـورت همزمـان بـود. امـا به‌تدریـج نورپـردازی در تئاتـر از ایـن حـد فراتـر رفـت و شـکل نوینـی بـه خـود گرفـت. اندیشـه‌ها و نوآوری‌هـای آدولـف آپیـا، هنرمنـد برجسـتۀ سوئیسـی، در زمینـۀ نورپـردازی تئاتـر سـبب شـد تـا دنیـای تئاتر مفهـوم جدیدتـر و عالی‌تـری از نـور را در صحنـه تجربـه کنـد. پـس از آپیـا دیگـر نـور فقـط عاملـی بـرای روشـن کـردن صحنه و نشـان دادن اجـزای مختلـف نمایـش نبـود، بلکـه نورپـردازی به عامـل و عنصـری اساسـی در اجـرای نمایـش تبدیـل شـد. اینـک نـور می‌توانسـت تماشـاگران را بهتـر و بیشـتر بـا نفهـوم اثـر آشـنا کنـد. در کنـار آن، کارگردانـان از ایـن عنصـر جدیـد بـرای جذاب‌تـر کـردن آثـار خـود اسـتفاده کردنـد. سایه‌روشـن‌ها، نورهـای رنگـی و حالت‌هـای مختلـف نـور سـبب شـد کـه

صحنـــهٔ تئاتـــر بـــه مفهـــوم جدیـــدی تبدیـــل شـــود. امـــروزه نورپـــردازی در تئاتـــر عنصـــری مهـــم و اساســـی در اجـــرای هـــر نمایـــش محســـوب می‌شـــود؛ عنصـــری کـــه می‌توانـــد موفقیـــت یـــا شکســـت یـــک اثـــر نمایشـــی را تضمیـــن کنـــد.

منابع

ارجمند، مهدی ۱۳۸۳، طراحی صحنه، تهران: نشر قطره.

براکـــت، اســـکار ۱۳۸۰، تاریـــخ تئاتـــر جهـــان، مترجـــم: هوشـــنگ آزادی ور، جلـــد اول، تهـــران: نشـــر مروارید.

دامود، احمد ۱۳۸۱، اصول کارگردانی تئاتر، تهران: نشر مرکز.

ســـید حســـینی، رضـــا ۱۳۷۱، مکتب‌هـــای ادبـــی، جلـــد اول، تهـــران: نشـــر نگـــه.

شهمیری، امین ۱۳۸۳، امکانات صحنه، تهران: نشر نی.

شـــهمیری، امیـــن ۱۳۶۶، اصـــول نورپـــردازی در تئاتـــر، تهـــران: نشـــر وزارت فرهنـــگ و ارشـــاد اســـلامی

فینینگـــر، آنـــدره آس ۱۳۸۳، نـــور و نورپـــردازی، مترجـــم: ســـید امیـــر ایافـــت، تهـــران: انتشـــارات ســـروش.

مصدق، عبدالخالق ۱۳۸۴، نور در تئاتر، تهران: انتشارات سمت.

مکـــی، ابراهیـــم ۱۳۸۳، شـــناخت عوامـــل نمایـــش، تهـــران: انتشـــارات ســـروش.

ناظـــرزاده کرمانـــی، فرهـــاد ۱۳۷۷، گزاره‌گرایـــی در ادبیـــات نمایشـــی، تهـــران: انتشـــارات ســـروش.